

رفت و آمدهای دوستانه بین چین و ایران

در زمان قدیم *

یه ئی - لیانگ

ایران از زمره کشورهای است که دارای تمدن قدیم و تاریخ طولانی می باشد. تاریخ زندگی انسان در سرزمین ایران به عصر حجر قدیم می رسد. تمدن درخشان و تاریخ طولانی کشور باستانی ایران گنجینه گرانبهایی را به بشر تقدیم نموده است. در آن زمان که هنوز بر روی کره زمین راه دریانوردی وجود نداشت، موقعیت جغرافیایی کشور ایران طوری بود که ایران نقش پل ارتباطی [را] در رفت و آمدهای دنیای شرق و غرب بازی می کرد. و از قرن چهارم تا قرن سوم قبل از میلاد، منسوجات ابریشمی چین از راه ایران به آسیای غربی و روم می رفت و متعاقباً اشیای شیشه گری و زینت آلات مختلف که در نواحی کرانه شرقی مدیترانه وجود داشت، از طریق ایران به چین می آمد. ایرانیان در زمان قدیم واسطه ای بودند در مبادلات فرهنگی و تجارتي و بازرگانی بین شرق و غرب. مبدأ « جاده ابریشم » که از شهرت جهانی خاصی برخوردار می باشد، از شهر چانگ - ان، پایتخت وقت چین و شهر سی - ان امروزه شروع می شد و از طریق نواحی سین - کیانگ، آسیای مرکزی و ایران به طرف غرب کشیده می شد و تا به اروپای امروزه می پیوست. علی رغم آنکه « جاده ابریشم » دو تا بود، یکی جاده شمالی و دیگری جاده جنوبی، ولی هر دو در سرزمین ایران تلاقی می کردند. از این جهت است که می گویند ایرانیان در پیشرفت و پیشبرد رفت و آمدهای بین شرق و غرب نقش واسطه را بازی می کردند.

نمایندگان، فرستادگان و تجار دو کشور چین و ایران به طور مداوم از این جاده پررونق رفت و آمد می کردند. آنها از دشواری های طبیعی نهراسیده و اشکالات گوناگون

ه این مقاله که توسط یه ئی - لیانگ استاد بخش فارسی دانشگاه پکن به زبان فارسی نگارش یافته، از طرف نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در پکن در اختیار مجله سیاست خارجی قرار گرفته است و در اینجا با تغییر و تصحیحی مختصر انتشار می یابد.

را متحمل شدند تا سهم برجسته خود را در راه توسعه و رفت و آمدهای بیشتر در زمینه‌های مختلف بین دو کشور چین و ایران ترقی دهند.

کشور ایران در چین قدیم به نام ان-شی یا پو-سی نامیده می‌شد. بنابه قدیمی‌ترین منبع کتاب تاریخ چین که به «سی-جی» معروف است، «(کشور) ان-شی به فاصله چندین هزار کیلومتر در غرب کوشان قرار داشته است. مردم این کشور شهرنشین و به کار زراعت و کشت برنج و گندم و انگور مشغول هستند. شهرهای آنها با برج و بارو محصور شده است. بعلاوه تعداد چند صد شهر محصور بزرگ و کوچک دیگر [را] نیز در تحت تسلط دارند. ان-شی کشوری است بسیار عظیم، با مساحتی در حدود چندین هزار کیلومتر. در این کشور بازارهای زیادی وجود دارد و مردم و بازرگانان آن با استفاده از قایق و ارابه به کشورهای همجوار مسافرت می‌کنند. در این کشور پولهای نقره که چهره پادشاه روی آنها ضرب شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقتی که پادشاهی در این سرزمین می‌میرد، چهره پادشاه جدید روی سکه‌های بعدی ضرب می‌شود. برای نگارش از چرم استفاده می‌کنند که دارای خطوط افقی می‌باشد.» در حقیقت اسم ان-شی در تاریخ قدیم چین ترجمه و تلفظ پادشاه وقت ایران، اشک، بوده است. البته اسم فارسی آن سلسله، اشکانیان بوده، ولی مردم کشور چین در زمان قدیم اسم کشور ایران را به نام پادشاه آن می‌نامیده و از آن به بعد برای مدتهای طولانی آن را ان-شی یاد می‌کردند.

راجع به اسم پو-سی [باید گفت که] این اسم در چین برای اولین بار در کتاب تاریخ به نام «وئی-شو» آمده است: «پایتخت کشور پو-سی سلوکیه است که در غرب بخارا واقع بوده و در زمان قدیم [از آن] به تیاو-زی یاد می‌شده است.» در تاریخ جهان، ایران به اصطلاح مورخین غربی دو بار به نام فارس یاد شده است؛ فارس در زمان هخامنشیان (۳۲۴-۵۵۰ ق. م.) و فارس در زمان ساسانیان (۶۵۲-۲۲۶ م.) بنا بر آن، این اسم فارس که در «وئی-شو» ذکر شده، از زمان ساسانیان می‌باشد. فارس اسم قومی است که اکثر آن در ناحیه جنوب غربی ایران امروزه سکونت داشته‌اند.

۱.

قدمت تاریخ رفت و آمدها بین دو کشور چین و ایران خیلی طولانی است. بنابه مدارک و نوشته‌های چینی و خارجی، اولین رفت و آمد آنها در سال ۱۱۹ قبل از میلاد برقرار شده؛ یعنی همان سالی که امپراتور وو-دی (سلسله هان غربی) برای دومین بار

چانگ چین را مأمور کرد تا به کشورهای غربی سفر کند. این آغاز یک تماس رسمی و شروع مبادلات بازرگانی و فرهنگی بین دو کشور بود. هدف فرستاده چانگ-چین به کشورهای غرب برای جلب همکاری کوشان و وو-سون بود تا با هم بر قوم هونها تسلط یابند. هیئت فرستادگان شامل ۳۰۰ نفر به ریاست چانگ-چین بود؛ ولی خود او به ان-شی نرفت و معاون خود را مأمور کرد تا از ان-شی دیدن کند. این معاون مورد استقبال و پذیرایی دوستانه مردم و امپراتور اشکانیان قرار گرفت. بنا به نوشته «سی-سی» (قدیمی ترین کتاب تاریخ چین)، «وقتی که فرستاده چین به ان-شی رسید، امپراتور ان-شی دستور داد تا ۲۰ هزار سواره نظام برای استقبال از این هیئت به سرحد شرقی بروند؛ درحالی که سرحد از پایتخت آن تقریباً هزار کیلومتر فاصله داشت. این هیئت از ده ها شهر گذشته و مورد استقبال مردم بی شمار قرار گرفتند. وقتی که فرستاده چین عازم کشور خود می شد، امپراتور ان-شی فرستاده خود را به معیت فرستاد تا از کشور پهناور چین بازدید نماید. فرستاده ان-شی هدایای گرانبهایی را با خود آورده - از قبیل تخم شترمرغ، آکرو باتها و شعبده بازان -، به دربار چین تقدیم کرد. در طول این مسافرت، فرستادگان کشورهای مختلف کوچک دیگر که در مغرب فرغانه واقع بودند هم به این هیئت پیوستند. امپراتور چین از این توسعه و ترقی ارتباط و دوستی با کشورهای غرب خیلی مسرور بود». این بود داستان اولین مدرک چینی درباره موقعیت جغرافیایی ایران در زمان قدیم و آشنایی چین با وضع اقتصادی و فرهنگی ایران. از این تاریخ به بعد، از طرف دربار سلسله هان غربی چین، تقریباً همه ساله فرستاده هایی به آسیای میانه و آسیای غربی، منجمله کشور ان-شی، اعزام می شدند که سالانه حداقل پنج تا شش و حتی ده هیئت به سوی غرب اعزام می شدند و تعداد اعضای هیئت گاهی به چند صد نفر هم می رسید. آنها مقدار زیادی منسوجات ابریشمی و اشیای طلایی و نقره ای با خود به غرب برده و اشیای گرانبها و نوظهور غربی را با خود به چین می آوردند. در سال ۹۸ میلادی، فرستاده ای به نام بان-چائو مأموریت یافت تا به کشورهای غربی مسافرت کند. معاون او، گان-ینگ، وقتی که به ایران رسید، چون ایران آن روز نمی خواست چین با روم مستقیماً به معامله تجارتي پردازد، از این جهت در ایران ماند. «هو-هان-شو» در این باره این طور می نویسد: «در سال نهم جلوس امپراتور هو-تی (یعنی ۸۷ میلادی) نماینده بان-چائو به گان-ینگ مأموریت داد تا به روم سفر نماید. وقتی که به ساحل دریا در سرحد غربی ایران رسید و می خواست سوار کشتی شود، کشتیبانان ایرانی به گان-ینگ گفتند: «این دریا خیلی وسیع است؛ اگر بخواهید به آن سوی دریا برسید، در صورتی که باد مساعد باشد، سه ماه راه در پیش

دارید. اگر باد در جهت مساعد نباشد، حتی ممکن است دو سال در دریا بمانید. از این جهت کسانی که بخواهند به آنسو سفر کنند، اقلأً آذوقه سه ساله باید با خود داشته باشند. چون راه طولانی و پرهزحمت است، در بین راه غم دوری از وطن و مشکلاتی وجود دارد؛ حتی حادثه مرگ هم گاه به گاه رخ داده می شود». گان-ینگ بعد از شنیدن این اخبار، از مسافرت خود منصرف گردید.

در زمان حکومت وئی شمالی (۵۳۴-۳۸۶ م.) رفت و آمد بین چین و ایران به طور مداوم انجام می یافت؛ مثلاً در سندهای چینی این طور ثبت شده که کشور ایران (سلسله ساسانیان) در سالهای ۴۶۱، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۶، ۵۰۷، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۱ [و] ۵۲۲ فرستاده های خود را برای تقدیم هدایا و پیام به دربار چین می فرستاد. بنابه نوشته «بئی-شی»، در اواسط حکومت امپراتور شائو-مین-دی (تقریباً در سال ۵۱۹ م.)، فرستاده کشور ایران نامه پادشاه ایران را تقدیم امپراتور چین کرد که می گوید: «فغفور کشور بزرگ چین، پسر آسمان است؛ امیدوارم که همچون خورشید، همیشه فغفور درخشان و پایدار باشد. با توجه به احترامات بی شمار قباد، پادشاه فارس». این پیام خود معلوم می نماید که رفت و آمدها بین چین و ایران خیلی زیاد و خیلی صمیمی بوده است. کتاب تاریخ «بئی-شی» درباره موقعیت جغرافیایی، اوضاع کشور، طرز زندگی مردم، کارهای تولیدی و رسم و رواج کشور ایران، اطلاعات دقیق و مفصل به خوانندگان تقدیم می کند.

در دوره شوی و دوره تانگ-هم دوره با ساسانیان ایران-رفت و آمدها بین چین و ایران افزایش بیشتر یافت. یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانیان با وجود آنکه کشورش مورد هجوم اعراب قرار گرفته بود، باز هم فرستاده خود را به کشور چین می فرستاد. در سال ۶۵۱ میلادی، سلسله ساسانیان به دست اعراب منقرض شد؛ ولی رفت و آمدها بین چین و ایران کماکان برای مدت طولانی ادامه یافت. به گفته کتابهای تاریخی موثق چینی، امپراتور گائو-تسونگ (از سلسله تانگ) سمت عالی مقامی هم طراز ژنرالی به پیروز، فرزند یزدگرد سوم، بخشید. همچنین در زمان این امپراتور بود که شهر زرنج (سیستان امروزه در ایران) را مرکز شهرستان پو-سه قرار می دهد که این متعلق به استان نواحی غربی کشور چین بود و پیروز، پسر یزدگرد سوم، را حاکم آنجا می نماید. در کتابهای تاریخی چین این طور ثبت شده بود که نرسه، پسر پیروز، هم از مقامی بلند پایه [در] دربار چین، هم طراز ژنرالی، برخوردار بوده است. پیروز و نرسه هر دو برای مدت طولانی در پایتخت چین (چانگ-ان) سکونت داشتند و بالاخره در سرزمین چین درگذشتند.

در دورهٔ تانگ، در پایتخت چین (چانگ-ان) و همچنین در شهرهای دیگر، مثلاً کانتون و یان-چو، مناطق مسکونی برای خارجیان اختصاص داده شده و خارجیان برای خود دکانهای مختلف باز کرده و حتی در ناحیهٔ شمال غربی چانگ-ان، آتشگاه زردشتی ایرانی و کلیسای نسطوری هم موجود بوده است. طبق نوشته‌های رسمی، در سال ۷۸۷ میلادی، تعداد فامیل خارجی که در چانگ-ان، پایتخت چین، سکونت داشتند، بیش از ۴ هزار بوده‌اند. آنها از ایران یا کشورهای دیگر غربی به چین آمده بودند. برخی از آنان از دربار چین حقوق دریافت می‌کردند و حتی بعضی از آنها به ارتش چین پیوستند. تجار ایرانی در آن زمان در ثروتمندی مشهور بودند. یکی از شاعران مشهور سلسلهٔ تانگ به نام لی هانگ-ینگ در یک اثر مشهور خود به نام «تسا-تسوان»، این طور به طنز گفته است: «ایرانی مفلس، پزشک مریض، خانم زیبا چاق و غیره» (یعنی ایرانی که مفلس نمی‌شود؛ پزشک که مریض نمی‌شود و خانم زیبا که چاق نمی‌شود). در یک اثر مشهور دیگر به نام «تای-پین-گوان-جی» از قول نویسندگان مختلف، همیشه ایرانیان را به ثروتمندی توصیف می‌کرده‌اند و مشهور بوده که ایرانیان و اعراب دست و دل باز هستند و همیشه ولخرجی می‌کنند. در یک مدرک رسمی تاریخی به نام «سین-تانگ-شو» این طور ثبت شده: «لیو-تسانگ دست به قیام زد. تن-جین-شان از تین-سن-گون کمک خواست تا این قیام را خاموش کند... آنها وقتی که به شهر یان-چو رسیدند به غارتگری می‌پردازند. اموال دیگران را ربوده و تجار ایرانی و کشورهای دیگر را می‌کشند که تعدادشان بیش از چند هزار نفر بوده است». این حادثه در سال ۷۶۰ میلادی به وقوع پیوسته است. علیرغم آنکه صحت این نوشته قابل بحث است، ولی دربارهٔ موجودیت کثیر ساکنان ایرانی در آنجا هیچ شکی در بین نیست.

با ازدیاد مسافران و تجار ایرانی به کشور چین، سکه‌های ایرانی به تعداد زیاد در چین یافت می‌شود که اکثر آن مربوط به دورهٔ ساسانیان است. سکه‌های ساسانی در زمان قبل از آزادی در کشور چین پیدا می‌شد. بعد از آزادی نیز، سکه‌های نقره‌ای ساسانی به طور متواتر در استانهای مختلف چین، شانسی، کانتون، خه-نان، سان-سی، خه-به، چینهای، مغولستان داخلی و سین-کیانگ پیدا شده که تعداد آن بیش از ۱۱۰۰ بوده است. از میان سکه‌هایی که در چین پیدا شده، قدیمی‌ترین آن مربوط به دورهٔ شاپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۱۰ م.) و آخرین آن مربوط به دورهٔ یزدگرد سوم ساسانی (۶۵۱-۶۳۲ م.) است. از روی تعداد و وسعت جاها [بی] که در آنجا سکه‌های ایرانی پیدا شده، این طور به نظر می‌رسد که ایرانیان در آن زمان در

مناطق مختلف چین متفرق بوده‌اند.

از قرن ۱۱ میلادی به بعد، رونق رفت و آمدها بین چین و ایران از راه خشکی به اندازه دریا نبود. در چین مراکزی که مسلمانان از آسیای غربی به آنجا آمده‌اند عبارتند از کانتون و چوان-جو. از میان مسلمانان [ی] که به چین آمدند، تعداد زیادی از آنان، ایرانیان بودند. از سلسله تانگ به بعد رسم شد که در کتابهای تاریخی چین، آن کسانی که از دیار غرب کشور به چین آمدند، «دا-شی» نامیده شدند. ولی در حقیقت از میان این دا-شی‌ها، بسیاری از آنها ایرانیان بودند. در جلد ۱۱ «تین-شی»، کتاب تاریخی دوره سونگ، چنین آمده: «در چوان-جو، خارجیانی که با کشتی آمده و مقیمند به «شی-لو-وی» مشهورند و به آنها اسم فامیل چینی «پو» اعطا گردیده است». آن شی-لو-وی که در اینجا ذکر شده، سیرافی است که معنی خصوصی آن، تجاری که از بندر مشهور قدیم ایران (سیراف) آمده‌اند، می‌باشد. این رسم آن وقت بود که به بسیار [ی از] کسانی که از دیار غرب به چین می‌آمدند اسم فامیل پو بخشیده می‌شد. مبادلات فرهنگی بین چین و ایران در سلسله سونگ همزمان با پیشرفت دریانوردی، ازدیاد و تنوع یافته است که از نتایج باستان‌شناسی این موضوع به خوبی معلوم است. مدارک و اسناد باستان‌شناسی این طور نشان می‌دهند که در آن زمان نه تنها [به] مقدار زیاد ظروف چینی و منسوجات ابریشمی چین به ایران صادر می‌شده، از اسباب سفالی و منسوجات ابریشمی ایرانی هم [که] در کشفیات مختلف باستان‌شناسی به دست آمده، بخوبی معلوم می‌شود که فن سفال‌سازی و ابریشم‌بافی چین در آنها نفوذ داشته است. دلیل آن هم این است که آنها با ظروف چینی دوره سونگ که در جزیره کیش در خلیج فارس و ناحیه خراسان به دست آمده، بسیار شباهت دارد. از ظروف سفالی ایرانی که در ری پیدا شده، این طور معلوم می‌شود که در آن زمان صنعت سفال‌سازی در ری بیشتر از نواحی دیگر ایران پیشرفت داشته است. اشکال و رنگ ظروف چینی ساخت ایران تا اندازه زیاد [ی] دارای خصوصیات ظروف چینی دوره سونگ می‌باشد.

قوم مغول در قرن سیزدهم هجوم خود را شروع کرده و بر نواحی آسیا و اروپا حکمفرمایی طولانی داشت. آنها اول به غرب حمله برده و بالاخره در دیار چین، سلسله یوان را تأسیس کردند. بعد از آن، چهار کشور خانی دیگر هم تأسیس نمودند که ظاهراً مستقل بوده، ولی با حکمفرمایان سلسله یوان ارتباط زیاد داشتند. آن چهار کشور خانی عبارت بود از جوجیان، چغتائیان، اکتائیان و ایلخانیان. در آن زمان بسیار [ی از] ساکنان کشورهای غرب که یا اسیر شده، یا به ارتش پیوسته [و] یا به کار تجارتنی می‌پرداخته [اند] به کشور چین می‌آمدند [ند] که از بین آنها بسیاری ایرانی بوده‌اند. وقتی که قوبلاخان به تخت

سلطنت نشست (۱۲۹۴-۱۲۶۰ م.)، بسیاری از ایرانیان را استخدام کرد. چون رفت و آمدهای زیادی در بین درباریان با کشورهای غرب موجود بود، در سلسله یوان حتی از وزارت آموزش و پرورش دستور صادر شده بود که زبان فارسی را در دربار چین تدریس نمایند. سیاح مشهور عربی، ابن بطوطه، در سفرنامه خود راجع به سفر خود در هانگ-چو این طور نوشت: ... سه روز در ضیافت به سر بردیم. هنگام خداحافظی، امیر پسر خود را به اتفاق ما به خلیج فرستاد. ماسوار کشتی [ای] شبیه حراقه شدیم و پسر امیر در کشتی دیگری نشست. مطربان و موسیقی دانان نیز با او بودند و به چینی و عربی و فارسی آواز می خواندند. امیرزاده آوازهای فارسی را خیلی دوست می داشت و آنان که شعری به فارسی می خواندند، چندین بار به فرمان امیرزاده آن شعر را تکرار کردند.

تا دل به مهرت داده ایم در بحر فکر افتاده ایم
چون در نماز استاده ایم گویی به محراب اندری

در دوره یوان، کشور ایران توسط ایلخانان اداره می شد. ارغون، پادشاه ایلخانان سه ایلچی را برای خواستگاری به دربار چین فرستاد. قوبلاخان یکی از شاهدختها را که کاکاچین نام داشت انتخاب کرد تا با ارغون ازدواج کند. چون راه خشکی بین پایتختهای چین و ایران در اثر جنگ مسدود شده بود، ایلچی های ایرانی استدعا کردند تا از راه دریایی به وطن خود برگردند و آن هم مورد تصویب امپراتور چین قرار گرفت. قوبلاخان همان سیاح معروف ایتالیایی، یعنی مارکوپولو، را که برای ۱۷ سال در دربار چین سمت رسمی داشت، مأمور ساخت که شاهدخت کاکاچین را به مقصد کشور ایلخانی همراهی کند. قبل از عزیمت، قوبلاخان همراهان شاهدخت را به حضور خود پذیرفت و دو لوحه زرین شاهی به آنها بخشید تا بتوانند در زمان مقتضی از کمکهای لازم و مهیا کردن تجهیزات در خط السیر این سفر [و] از مهمانسراهای بنادر مختلف استفاده نمایند. قوبلاخان برای این هیئت ۱۳ فروند کشتی بزرگ که هر یک از آنها دارای دوازده بادبان بود و آذوقه دو ساله را برای هر کشتی فراهم کرد. شاهدخت چینی و مارکوپولو به اتفاق نمایندگان در سال ۱۲۹۱ میلادی از قوبلاخان اجازه گرفته از بندر چوان-جو واقع در استان فو-جین حرکت کرده و دو سال بعد به بندر هرمز در ایران رسیدند. طبق کتاب تاریخ چین به نام «شین-یوان-شی» وقتی که مارکوپولو و ایلچی های ارغون و همراهان آنها به هرمز رسیدند، پادشاه ایلخانان، ارغون، در گذشته بود. از این جهت بود که شاهدخت کاکاچین با فرزند ارشد ارغون یعنی غازان خان ازدواج کرد.

علاوه بر این، فخرالدین پسر جمال الدین، امیر جزیره کیش در خلیج فارس، در سال ۱۲۹۷ میلادی به نام ایلچی غازان خان از راه دریا به چین آمد تا با امپراتور چین، چن تسونگ، ملاقات [کند] و احترامات و ارادت خود را به عرض برساند. در این ملاقات، از طرف امپراتور چین دختری از فامیل اشراف به او بخشیده شد. از این جهت فخرالدین برای سالهای متوالی در چین اقامت نمود.

در قرن سیزدهم میلادی، قشون مغولی به طرف غرب تاخت و تاز کرده و بر بسیاری از شهرهای آسیای مرکزی و آسیای غربی غلبه یافته و تعداد کثیر [ی از] اسیران و صنعتگران را با خود به دیار چین آورد. و در این زمان، یعنی در اوایل ایلخانیان، صنعتگران بسیاری در رشته های مختلف از آن سو به چین می آمدند. آنها هنر و فنون مختلف اسلامی و ایرانی را با خود به چین آوردند. در اواخر قرن سیزدهم میلادی، وضع اقتصادی ناحیه آسیای غربی احیا شده بود و مهمانسراهایی که قبلاً در خدمت نظامیان بود، دوباره بازسازی شد و بدین ترتیب «جاده ابریشم» قدیم تجدید بنا و رونق گرفت. از طرف دیگر بندر جدید هرمز در خلیج فارس به منصفه ظهور رسید. بدین ترتیب، ایلچی ها و تجار دو کشور چین و ایران به طور مداوم در هر دو راه خشکی و دریا رفت و آمد می کردند.

بنابه مدارک تاریخی، در سلسله مینگ، همزمان با سلسله های تیموریان و صفویه، رفت و آمدهای چین و ایران خیلی زیاد بود. مقصد حرکت از چین به ایران بندر هرمز بود. خواجه تسن - خه دریانورد مشهور چینی که هفت بار فرماندهی گروه کشتی های چینی را به عهده داشت، به سوی «دریای غرب» سفر کرده و حامل پیامهای دوستی و محبت مردم چین برای مردم آن سرزمین بود. از بین این هفت مسافرت، تسن - خه سه بار از هرمز دیدن کرده و هدایای گرانبهایی، منجمله منسوجات ابریشمی، به امیر و ملکه هرمز و مأمورین دیگر تقدیم نمود. تسن - خه و همراهان او آثار و نوشته هایی از این سفرهای دریایی خود باقی گذاشته اند؛ به عنوان مثال: «سین - تسای - سن - لان» اثر فی - سین، «ین - یه - سن - لان» اثر مه - خوان و «سی - یان - فان - گوا - تسه» اثر گون - تسن. آنان همه در آثار و نوشته های خود رفاه و سعادت و ثروتمندی مردم هرمز و رسوم و عادات آنجا را به مردم چین معرفی کردند. این آثار از مراتب و موارد گرانبها در زمینه رفت و آمدهای دوستانه بین چین و ایران و همچنین موارد [و منابع] مهم برای تحقیق و مطالعه در تاریخ باستان این سرزمینها به شمار می آیند. بعلاوه، در نتیجه کاوش باستان شناسی در هرمز، ظروف چینی سلادون مربوط به سلسله های یوان و مینگ به دست آمده است. این هم نشانه زنده [ای] از حقیقت و ارزش تاریخی مسافرت

تسن - خن به کشورهای غرب می باشد. ظروف چینی از مهمترین اشیای صنایع هنری چین بوده که هیئت تسن - خه با خود به ایران می برند.

بنا به کتاب «مینگ - شی» (تاریخ سلسله مینگ) شاهرخ، پادشاه هرمزپسر تیمور، درازای تشکر از مسافرت تسن - خه، در سالهای ۱۴۱۸ و ۱۴۱۹ میلادی دو بار سفیر [ان] خود را برای انجام مسافرت متقابل به چین فرستاد. آنها از راه خشکی به پکن آمده، اسپ، شیر، زرافه، گورخر، گوزن، دُرهای گرانبها و سنگهای قیمتی را به دربار چین تقدیم کردند. نقاش خواجه غیاث الدین، عضو هیئت ایرانی، در سفرنامه خود جزئیاتی درباره شرفیابی خود به حضور امپراتور مینگ - چن - جو را توصیف کرده و نسبت به پذیرایی گرم و صمیمی دربار چین که به افتخار آنان ترتیب داده بودند، رضایت کامل خود را ابراز می دارد.

در فرامین شاهی که از طرف امپراتور چن - تسو و شوان - تسون (سلسله مینگ) صادر شده، بخوبی معلوم می گردد که تسن - خه حین مسافرت خود به کشورهای غرب، از هرمز عبور می کرده است. مثلاً در آن فرمان که امپراتور چن - تسو در روز دهم ماه دوازدهم سال ۱۴۲۰ میلادی صادر نموده، در کتاب «سی - یان - فان - گوا - تسه» این طور [درج] گردیده: «فرمان شاهی: خواجه یانگ - چین و همراهان وی برای انجام مأموریت به هرمز و کشورهای دیگر سفر در پیش دارند. احتیاج به مقداری از منسوجات و پارچه های ابریشمی برای اهدا به پنج مقام هر کشور که به آن سفر می کنند دارند. امیدوارم ادارات مربوط با خواندن این فرمان شاهی، خواستهای آنها را برطرف سازند». این فرمان شاهی برای ششمین سفر بود. همچنین در روز چهارم ماه پنجم سال ۱۴۳۰ میلادی امپراتور شوان - تسونگ از سلسله مینگ این طور فرمان داد: «به خواجه های عالی مقام در نانکن: یانگ - چینگ، لو - جی، تانگ - گوان - بانو و یوان - تسنگ، حال که به خواجه تسن - خه و هیئت وی مأموریت دادم که برای انجام مأموریت رسمی به هرمز و کشورهای دیگر غربی سفر کنند...». علاوه بر این مدارک، در یک کتیبه سنگی که برای ثبت مسافرت به کشورهای خارجی است و در تین - فی - گون واقع در بندرگاه لیو - جیا - گانگ (استان فو - جین) می باشد، این طور می آید: «... تسن - خه و همراهانش از سال ۱۴۰۳ میلادی به بعد هفت بار مأمور شدند که به کشورهای دیگر سفر کنند. تعداد همراهان این هیئت از ده ها هزار نفر تجاوز کرده و کشتی های آنها بیش از صد فروند بوده است. مبدأ سفر آنها تای - تسانگ (استان جیانگ - سو) بود و از کشور قدیمی به نام تسان - چن (قسمتی از ویتنام امروزی) گذشته، بالاخره به هرمز و سی کشور دیگر می رسیدند. مسافت دریایی که آنها طی نمودند، بیش از صد هزار لی

(دولی معادل یک کیلومتر—نویسنده) می باشد...»؛ «در سال ۱۴۱۷ میلادی این هیئت عازم سفر خود به کشورهای غربی شده و کشور هرمز شیر، پلنگ راه راه و اسبهای معروف خود را به دربار چین تقدیم کرد...». همچنین موارد مشابهی در یک کتیبه سنگی در معبدی به نام «نان—شان—شی» واقع در شهرستان چانگ له، استان فو—جین هم دیده شده است.

کتاب تاریخ به نام «مینگ—شی» درباره معرفی کشور باستانی ایران، بغیر از هرمز، همچنین درباره اصفهان، خراسان، کرمان و شیراز در فصلهای جداگانه در این کتاب بحث شده و در مورد رفت و آمدهای دربار چین با ایران در این کتاب مطالبی ذکر گردیده است.

۲.

تبلیغ و انتشار ادیان مختلف از جمله مبادلات فرهنگی بین چین و ایران در زمان قدیم به شمار می آید؛ ادیان زرتشتی، نسطوری، مانی [مانوی] و اسلامی همه از راه ایران به چین آمدند. با وجود آنکه بعضی از این ادیان، دیگر از بین رفته [اند]، ولی آنها در تاریخ مبادلات فرهنگی بشر نقشی مؤثر از خود داشته و از روشهایی بوده که افکار و احساسات مردم مختلف جهان را به هم پیوسته و مبادله می نموده است.

الف) دین زرتشتی

این دین در کشور چین به نامهای مختلف ذیل یاد شده: دین خوا—شین، دین آتش پرستان، دین فارس و دین زرتشتی. دین زرتشتی [که] در زمان قدیم در ایران و آسیای مرکزی ترویج یافته بود، اکنون در برخی از نواحی ایران و هندوستان هنوز معتقدانی دارد. مؤسس این دین، زرتشت، ایرانی الاصل می باشد. در اواخر قرن ششم قبل از میلاد، داریوش اول، پادشاه سلسله هخامنشی، دین زرتشتی را دین رسمی کشور خود می دانست. پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک، سه رکن اساسی دین زرتشت می باشد. پیروان این دین، اهورا مزدا را خدای بزرگ خود می دانند و اهریمن را روح خبیث. اهورا مزدا سمبل عدالت، راستی و روشنایی است؛ در مقابل آن، اهریمن نماینده و بانی جرائم مختلف و تاریکی است. این دو سمبل همیشه در جدال بوده، ولی بالاخره اهورا مزدا به اهریمن غلبه خواهد یافت؛ چون پیروزی از آن راستی است. انسان باید در راه این پیروزی بکوشد. چون زرتشتیان بر این عقیده اند که آتش نشانه نیکی و

روشنایی است، از این جهت بوده است که آتش‌پرستی از مهمترین رسوم این دین به شمار می‌آید.

بنا به مدارک موجود، ورود دین زرتشت به کشور چین در دوران سلسله جنوب و شمال بود. در اول مردم سلسله وئی شمالی این دین را که از فارس آمده بود «هو-تین» (به معنی آسمان خارجی) یاد می‌کردند. طبق کتاب تاریخ «وئی-شو»: «همه معابد را از بین برده، فقط به استثنای خدای هو-تین». در این جا خدای هو-تین معنی خدای دین زرتشتی رامی‌رساند. از این معلوم می‌شود که در آن زمان در دیار چین معتقدان به خدای هو-تین موجود بودند. در اواخر سلسله شوی و اوایل سلسله تانگ، خدای هو-تین را به «شین» یاد می‌کردند. در کتابهای تاریخ چین، درباره جزئیات وضع پیشرفت دین زرتشتی بوضوح توضیح داده نشده است. امکان دارد که اکثر معتقدان دین زرتشتی عبارت بوده [اند] از اهالی فارس و یا اشخاص کشورهای غربی، که به چین آمده بودند. ولی در اوایل سلسله تانگ، معتقدان دین زرتشتی از امتیازات زیادی برخوردار بودند. تعداد بسیاری معابد زرتشتی در محل سکونت ایرانیان در چین ساخته شده بود؛ به طور مثال در شهر چانگ-ان، پایتخت وقت چین، سه معبد زرتشتی موجود بود. بعضی معتقدند که آن «معبد فارسیان» که از طرف پیروز، فرزند یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانیان ساخته شده بود، از زمره معابد زرتشتی بوده است؛ چون سلسله ساسانیان، دین زرتشتی را دین رسمی خود می‌دانستند.

به هر حال، دین زرتشتی در چین به طور وسیع تبلیغ نشده است و کتاب دینی زرتشتی‌ها هم به زبان چینی برگردانیده نشده بود. از این جهت است که هنوز هیچ کتاب دینی زرتشتی در چین پیدا نشده است. بنابه متن جلد چهارم «مو-تسانگ-من-لو» اثر چانگ-بانگ-جی، در زمان سلسله سونگ در شهر تسنگ-جان هنوز معبد زرتشتی موجود بوده؛ ممکن است تا آن زمان هنوز پیروان دین زرتشتی به تعداد کم در چین موجود بوده‌اند. از دوره سونگ به بعد، در چین دیگر نوشته [ای] درباره دین زرتشتی به چشم نمی‌خورد.

ب) دین نسطوری

این دین در حقیقت از شعب دین مسیحی به شمار می‌آید. چون معتقدات و تعبیرات این شعبه نسبت به [اقانیم] سه گانه با آن مسیحی متعارض بود، از این جهت مورد تنفر قرار گرفته، از طرف امپراتور روم شرقی، خود نسطوری هم تبعید شد. بعداً پیروان نسطوری به سوی شرق مهاجرت کردند و در ایران از حمایت پادشاه ایران برخوردار شدند.

راجع به جزئیات آمدن دین نسطوری به چین، چیزی در دست نیست؛ ولی به استناد کتیبه نوشته‌ها، انتشار دین نسطوری از کشور روم به طرف چین بوده [است]. در سال ۶۳۵ میلادی، [در زمان] سلسله تانگ، [یک] راهب ایرانی به نام آوین برای انتشار و تبلیغ دین نسطوری به چانگ-ان وارد شد. چون مردم چین قبل از سال ۷۴۵ میلادی، کشور ایران را پایگاه دین نسطوری می‌دانستند، از این جهت بود که کلیساهای این دین را در چین، همه به نام «معبد ایرانی» نامیده و راهبان آن هم به راهبان ایرانی مشهور بودند. شرح حال دین نسطوری و اولین راهب آن در سرزمین چین و همچنین تاریخچه تبلیغ آن و ساختن کلیسای دین نسطوری در چین، همه در کتاب معروف قدیمی چین به نام «تانگ-خوی-یائو» (مربوط به دوره تانگ ۹۰۷-۶۱۸ م.) درج شده است. در زمان حکومت تانگ-گائو-تسونگ (ج ۶۵۰-۶۸۳ م.)، کلیساهای نسطوری در استانهای مختلف چین ساخته شده بود. این دین در زمان حکومت شوان-تسونگ (ج ۷۱۲-۷۴۲ م.) و سو-تسونگ (ج ۷۵۶-۷۶۱ م.) هم از حمایت دولت وقت برخوردار بود. شوان-تسونگ حتی شخصاً برای کلیسای نسطوری حکمی به خط خود عطا نمود که بعد بر روی لوحه آن کلیسا منعکس گردید. در سال ۷۴۵ میلادی، شوان-تسونگ فرمان داد که از آن به بعد معابد ایرانی را به کلیسای رومی یاد کنند. در کتاب «تانگ-خوی-یائو» این طور آمده است: «در ماه نهم سال ۷۴۵ میلادی، پادشاه فرمان داد [که] منبع اعتقادات دین ایرانی از آن روم بوده و به مرور زمان از طریق ایران به چین آمده و در چین انتشار یافته است. از این جهت در اوایل، [از] آن معابد هم به نام معابد ایرانی یاد می‌شد. برای آنکه باید به اصل آن برگردانده شود، از این به بعد آن معابد را که در دو شهر عمده کشور به معابد ایرانی مشهور شده بود، باید کلیساهای رومی بدانند. این فرمان، همان طور در استانهای دیگر هم اعتبار دارد». سپاهسالار مشهور سلسله تانگ، گوا-تسی-ئی هم از مریدان دین نسطوری بود. با وجود آنکه وضع دین نسطوری به آن حد نرسیده بود که در «کتیبه انتشار دین نسطوری از کشور روم به چین» توصیف شده است: «محبوبیت دین نسطوری در سراسر کشور چین هویدا بوده و معابد آن در اکثر شهرها موجود است». ولی هیچ مبالغه نیست که دین نسطوری در آن زمان نفوذ قابل ملاحظه‌ای داشت. ولی در سال ۸۴۵ میلادی دربار چین مقرر نمود که همه ادیان در چین تعطیل شود؛ از این جهت بود که دین نسطوری هم از تبلیغ خود در چین دست کشید.

مدارک عمده تاریخی دین نسطوری موجود در چین، عبارتند از:

۱. «کتیبه انتشار دین نسطوری از کشور روم به چین»، محتویات این کتیبه

شامل اعتقادات دین مسیحی و وضع انتشار دین نسطوری در چین از سال ۶۳۵ میلادی به بعد می باشد. این کتیبه در سال ۷۸۱ میلادی نصب شده و در سال ۱۶۲۵ میلادی کشف شد. متن این کتیبه [به] زبانهای چینی و سریانی حکاکی شده [است]. راهبان ایرانی به نامهای جین-زین و جی-لی نویسنده متن آن کتیبه بودند. بنابه تحقیقات باستان شناسی، هر دوی آنها ایرانی بودند.

۲. متن دین نسطوریان، حمد اقاییم سه گانه دین مسیحی، در تونگ-خوانگ کشف شده است. در آخر این متن، فهرست متون دیگر دین نسطوری که به زبان چینی برگردانیده شده، ضمیمه است که اکثر آنها ترجمه همان نویسنده «کتیبه انتشار دین نسطوری از کشور روم به چین»، چین-زین، می باشد. همچنین در غارهای هنری مو-گاؤ-کو، واقع در تونگ-خوانگ، طومارهای گرانبهایی از دین نسطوری به دست آمده اند. همچنین در ناحیه چو-جی واقع در جنوب شهر شی-ان، محل اصلی کلیسای دین نسطوری که در اواخر قرن هشتم میلادی تجدید ساختمانی شده بود، هنوز باقی مانده است.

در نتیجه کاوشهای باستان شناسی، کلیساهای دین نسطوری مربوط به قرن هشتم میلادی به بعد هم در نواحی تورفان واقع در سین-کیانگ و استان گان-سو کشف شده بود. در ناحیه قراخواجه واقع در تورفان هم محلهای اصلی کلیساهای دین نسطوری که در آن نقاشی های دیواری درباره مراسم دین نسطوریان موجود است، پیدا شده است. از آثار تاریخی این طور معلوم می شود که از قرن یازدهم میلادی به بعد، رونق رفت و آمدها از راه خشکی بین چین و ایران از بین رفته است. ولی پیروان دین نسطوری باز در آسیای مرکزی و ناحیه ایلی، در سین-کیانگ، فعالانه به کارهای خود مشغول بوده اند. صلیبهای مسین مخصوص پیروان دین نسطوری حتی در ناحیه رودخانه زرد در مغولستان داخلی چین هم پیدا شده است. در سالهای اخیر در ناحیه بای-لین-میائو، واقع در مغولستان داخلی، از بررسی یک قبرستان معلوم می شود که تا قرن سیزدهم میلادی، بعضی از اقوام آنجا هنوز از دین نسطوری پیروی می کرده اند. البته این پیروان دین نسطوری در آن زمان دیگر با کشور ایران ارتباط مستقیم و نزدیک نداشتند.

پ) دین مانی

این دین در چین به اسامی مختلف مین جیاء (دین روشنایی)، مو-نی-جیاء (دین مانی) و مینگ-تسونگ-جیاء (دین پرستش روشنایی) یاد شد. مبلغ و مبتکر این دین در اصل یک ایرانی به نام مانی بوده که در قرن سوم میلادی در ایران زندگی

می‌کرده است. این دین از ادیان زرتشتی، مسیحی، مهرپرستی و عرفان الهام گرفته و احکام آن برپا شده و به دو اصل معتقد است: نیکی و بدی. این دین تبلیغ می‌کند که روشنایی و تاریکی همیشه در جدال هستند؛ نیکوکاران بعد از مرگ خود به خوشبختی خواهند رسید، ولی بدکاران به جهنم خواهند رفت. اصل عمده دین مانی شامل دو عامل و سه مرحله است؛ یعنی مبارزه روشنایی و تاریکی به سه مرحله تقسیم می‌شود: مرحله اول، مرحله میانه و مرحله آخر. این نوع فکر هنوز از کتابهای دین مانوی که به زبان چینی ترجمه شده و باقیمانده است، خوب معلوم می‌شود. معتقدان این دین عقیده دارند که دنیای امروزه در مرحله میانه قرار دارد؛ یعنی مرحله دوم جدال روشنایی و تاریکی. مردم باید بکوشند به روشنایی مساعدت کنند تا بر تاریکی غلبه یابد. این دین از پیروان خود تقاضا می‌کند که دوری از هوسهای خود کنند؛ از خوردن گوشت امتناع ورزند؛ از نوشیدن شراب پرهیز کنند؛ از تقدیم قربانی‌ها به نیاکان اجتناب ورزند و به مراسم دفن اهمیت ندهند. دین مانی از ابتدا مورد تنفر حاکمان کشور ایران قرار گرفته بود. بعد از اعدام مؤسس آن، مانی، این دین در ایران قدغن گردید و همه پیروان مانی به اطراف و اکناف پراکنده و پناهنده شدند؛ ولی به مرور زمان این دین در کشورهای غربی رواج یافت.

به استناد جلد ۳۹ کتاب قدیمی چین، «فو- تسو- تونگ - جی»، تاریخ آمدن دین مانوی به چین در سال ۶۹۴ میلادی در زمان سلسله تانگ می‌باشد. یک نفر ایرانی به نام فرستدان با کتاب «ار- تسونگ- جین»، یعنی کتاب دینی که معتقد به دو عامل بوده، به دربار تانگ آمده، بعداً او در شهرهای چانگ- ان، لو- یانگ و غیره معابد مانوی را ساخت. کتاب «تانگ- خوئی- یائو» درباره دین مانی این‌طور می‌نویسد: «در ماه چهارم سال ۷۹۹ میلادی، چون خشکسالی حکمفرما بود، راهبان مانوی را به دعاخوانی و ادار ساختن تا باران بیاید». «در ماه اول سال ۸۰۷ میلادی او یغورها تقاضای ساختمان معابد مانوی در خه- نان- فو و تای- یوان- فو کرده و اجازه لازم صادر شد». «در سال ۸۴۳ میلادی امپراتور برای معابد مانوی، زمین، ساختمان [و] پول بخشیده و فرستاده مخصوصی را مأمور کرد تا از نزدیک اجرای اوامر امپراتور را دقیقاً مورد نظر قرار دهد...». دلیل انتشار دین مانی در کشور چین با پیشرفت روابط دربار تانگ با قوم او یغور ارتباط داشته، چون در آن زمان قوم او یغور خیلی قدرت داشتند؛ ضمناً دین مانوی هم دین رسمی آنها بود. بعد از ظهور «فتنه ان- شی»، دربار تانگ از قوم او یغور مساعدت خواست تا در فرونشاندن این فتنه مساعدت نمایند. از این به بعد، روابط بین آن دو خیلی خوب شد و از این جهت بود که دین مانی در چین

بسرعت انتشار یافت.

از آن به بعد دین مانوی در به وجود آمدن قیامهای دهقانی در چین نقش و نفوذ نسبتاً مهمی داشته و زحمتکشان را مجذوب به خود نموده بود. بعضی از قیامهای دهقانی چین همیشه با تعالیم دین مانی، یعنی مبارزه دو عامل، توده‌های وسیع را بسیج نمود. «مین-جیاء» که در اواخر دوره وو-دای ظهور یافت، یکی از سازمانهای مخفی به شمار می‌رفت که تا دوره یوان هنوز باقی مانده بود. مو-ئی و دونگ-ئی، رهبران قیام تسن-جیو [در] استان خه-نان هم از تعالیم دین مانی استفاده کردند تا مردم را بسیج کنند. قیام مشهور مو-جو واقع در استان جه-جیانگ تحت رهبری فانگ-له هم با استفاده از دین مانی توده‌ها را بسیج نمود و سازماندهی کرد. دین مانوی هم بر سازمانهای مخفی در دوره‌های مختلف وو-دای، سونگ، یوان، مینگ و چینگ از قبیل مین-جیاء (دین روشنایی)، بای-یون-جیاء (دین ابر سفید) و بای-لیئن-جیاء (دین نیلوفر سفید) نفوذی مستقیم داشت.

در غارهای هنری و مشهور تونگ-خوان واقع در استان گان-سوبه نام مو-گائو-کو، اوراق کتاب دینی مانی که به زبان چینی برگردانیده شده، کشف شد. در تورفان واقع در ناحیه خود مختار سین-کیانگ هم طومارها، نقاشی‌های دیواری و اوراق کتاب دینی مانی که به زبان ترکی برگردانیده شده، پیدا شده است. ضمناً در ناحیه خوا-بیائو-سن واقع در چوان-جو، استان فو-جین، معبد دین مانی موجود بوده ([رجوع شود] به: جلد هفتم «مین-شو») و این معبد بنا به تحقیقات انجام یافته از ساختمانهای دین مانی در دوره یوان به شمار آمده و در ضمن یگانه اثر موجود از معابد دین مانی در کشور چین می‌باشد.

ت) دین اسلام

دین اسلام یکی از سه دین بزرگ دنیای امروزه است. درباره تاریخ آمدن دین اسلام به چین نظرات مختلفی موجود است؛ ولی خیلی امکان دارد [که] بعد از انقراض دوره ساسانیان باشد. این دین از دو راه، راه خشکی و راه دریایی، به چین آمده است؛ ولی [این امر] از راه خشکی دیرتر از راه دریایی به وقوع پیوسته است.

تحقیقات تاریخی ثابت کرده است [که] این اعراب و ایرانیان بودند که دین اسلام را به چین معرفی کردند. در ابتدا اکثر مسلمانانی که به چین می‌آمدند از مردم بندر سیراف واقع در خلیج فارس بودند. دین اسلام در زمان تانگ و سونگ در داخل چین هم انتشار یافت؛ ولی در دوره یوان، اسلام نفوذ بیشتر [ی] داشت. طبق نوشته

«جامع التواریخ» اثر رشیدالدین فضل‌الله، مورخ مشهور ایلخانیان، از بین ۱۲ استان که در چین است، هشت استان آن دارای مردم مسلمان می‌باشد.

انتشار دین اسلام به کشور چین برای به وجود آمدن قوم هوی در چین اثرات مستقیم و مهم داشته است. در اوایل قرن سیزدهم میلادی، تاخت و تاز مغولها به سمت غرب منجر به مهاجرت تعداد کثیری از ساکنان مسلمان اقوام مختلف آسیای مرکزی، منجمله ایرانیان، به کشور چین شد. این مهاجرین از طبقات مختلف بودند. آنها در کشور چین سکونت کرده و صاحب‌خانه و خانواده شدند. با وجود اینکه رسوم و عادات روزمره زندگی (منجمله نوع خوراک و طرز زندگی و اعتقادات دینی) آنها با اقوام دیگر در چین تفاوت داشت، ولی بسیاری از آنها با اعضای اقوام چینی ازدواج کردند. از این جهت به مرور زمان در چین یک قوم به نام قوم هوی که به دین اسلام گرویده بود، تشکیل شد.

اکثر مسلمانان در چین اهل تسنن می‌باشند؛ چنانکه اکثر مسلمانان ایرانی شیعه هستند. ولی مسلمانان چینی در اثر اینکه رفت و آمدهای زیاد و نزدیک با ایران داشتند، در زندگی روزمره و دین خود با بسیاری از رسوم دین [مذهب] شیعه آشنا شدند؛ مثلاً علمای دین اسلام [مذهب تسنن] در چین همیشه مثل علمای دین [مذهب] شیعه در ایران روپوش سبز رنگ بر تن می‌داشته‌اند. مسلمانان چین به «تفسیر» قرآن بیشتر اهمیت می‌دهند تا به خود قرآن. آنها در اسم گذاری از اسمائی که شیعه‌ها به خود اختصاص دادند، مثل علی، حسن، حسین [و] فاطمه استفاده می‌کنند. علمای اسلامی در چین، در مساجد همیشه از شهادت علی (خلیفه چهارم) حکایت می‌کنند؛ ولی بندرت درباره فتوحات بزرگ عمر (خلیفه دوم) صحبت پیش می‌آید. نکته‌ای که بیشتر از همه قابل ملاحظه می‌باشد این است که علیرغم این حقیقت که اصل زبان قرآن عربی [است]، ولی در چین بسیاری از اصطلاحات دینی که در مساجد مورد استعمال قرار می‌گیرند به زبان فارسی است. مثلاً مسلمانان چین اسمهای پنجگانه نماز را به تلفظ زبان فارسی می‌گویند؛ یعنی «نماز بامداد»، «نماز پیشین»، «نماز دیگر»، «نماز شام» و «نماز خفتن». آنها الله را «خدا» می‌نامند و همچنین صلوة را «نماز»، مُسَلِم را «مسلمان» [و] رسول را «پیغمبر» می‌گویند. ادبیات قدیم فارسی هم از مضامینی بود که در مدارس دینی اسلامی در چین تدریس می‌شد. مثلاً آنها «گلستان» اثر سعدی، شاعر نامدار ایرانی، را یکی از دروس اساس [ی] در مدارس دینی می‌دانستند.

مساجد و مقبره‌های مشهور و قدیمی در کاشغر، کوانجو (یعنی کانتون)، سی - ان، هانچو و چوان - جواز زمره آثار باستانی اسلامی موجود در چین به شمار می‌آیند. بعضی از مساجد موجود در چین، از نظر معماری، شبیه مساجد ایران می‌باشد.

۳.

کثرت رفت و آمدها بین مردم دو کشور چین و ایران در زمان قدیم، نه تنها به تحکیم دوستی بین این دو ملت کمک کرده، بلکه به مقیاس وسیع در ترویج مبادلات در زمینه‌های فرهنگی، هنری و اقتصادی هم مؤثر بوده است.

الف) مبادلات اقتصادی بین دو کشور

۱. نباتات [ی] که از ایران به چین آمده

۱. یونجه: یونجه یکی از علوفه‌های مفید برای خوراک دامها، بخصوص اسپ می باشد که از ایران به چین آمده است. امپراتور هان-وو-تی (۸۷-۱۴۰ قبل از میلاد) همیشه برای به دست آوردن بهترین نژادهای اسپ ایرانی، فرستاده‌های خود را به دیار کشورهای غربی می فرستاد؛ ولی متأسفانه این نوع اسپهای مرغوب، بعد از آنکه به کشور چین می آمد، از نسل دوم به بعد منقرض می شد. جانگ-چئین، فرستاده دوره هان، مطلع شد که این اسپان به خوردن یونجه عادت دارند. از این جهت او در سال ۱۲۸ قبل از میلاد تخم یونجه را از آن دیار با خود آورد و تقدیم امپراتور هان-وو-تی کرد. دو سال بعد، بر روی زمین وسیعی که در اطراف دربار قرار داشت این نوع گیاه عجیب و غریب رویده و بتدریج در سراسر صفحات شمال چین کشت آن رواج پیدا کرد.

۲. انگور: این میوه به دست جانگ چئیم، اولین سفیر چین به دربار ایران، به چین آورده شد. تلفظ چینی برای انگور «پو-تاء» می باشد که خیلی ممکن است «پو» از واژه فارسی پارس آمده و «تاء» از واژه فارسی تاک. بدین تعبیر «پو-تاء» معنی انگور پارس را می رساند.

۳. پسته: پسته به زبان چینی آ-یو-حون-جی نامیده می شود. در جلد ۸۹ «دا-مینگ-بی-توونگ-جی» هم به «بی-سی-تن» (یعنی پسته) یاد شده است. این واژه در کتابهای مختلف مثلاً «تسن-دینگ-گوان-یو-جی» و «بن-تسائو-گان-مو-شی-ئی» به اسمهای مختلف که با تلفظ فارسی نزدیک است یاد می شود.

۴. بادام: شبیه هسته زردآلو و خوردنی است و هم در طبابت مورد استعمال قرار می گرفته. [از] بادام در زبان چینی هم به هسته هلوی پهن یاد می شود. در فصل ۱۸ کتاب «یو-یانگ-تسه-تسو» این طور آمده است که [از] درخت هلوی پهن در کشور ایران

به درخت بادام یاد می‌شود. لی - شی - تسن، طیب مشهور قدیمی در اثر خود، کتاب «بن - تسائو - گان - مو» (جلد ۲۹) بادام را با ترجمه تلفظ فارسی آن ذکر کرده است.

۵. عتاب فارس: از اسم آن خوب معلوم می‌شود که از دیار ایران آمده است. مقصود از آن خرما بوده است. در بعضی مدارک قدیمی چینی، مستقیماً از اسم فارسی آن یعنی «خرما» استفاده شده [است]. ضمناً در فصل ۱۸ کتاب «یو - یانگ - تسه - تسو» این طور آمده است که عناب فارس از کشور ایران آمده است که به کو - مان (یعنی خرما) معروف است. «در یک کتاب دیگر به نام «زو - گن - لو» خرما به تلفظ «کو - لو - مه» یاد شده است. می‌گویند تا امروز هنوز در بعضی [ی از] جاهای ایران، واژه خرما را کو - لو - مه تلفظ می‌کنند.

۶. داروی مر: این اسم مستقیماً از واژه فارسی «مر» منتقل شده است. در کتابهای قدیمی چینی «یو - یانگ - تسه - تسو»، «کائی - بائو - بن - تسائو» و «تو - جن - بن - تسائو» نه تنها این دارو را معرفی کرده‌اند که از کشور ایران آمده، بلکه درباره شکل و خاصیت آن هم صحبت شده است.

۷. «آ - وی»: از داروهای مسکن و محرک به شمار می‌آید که در زبان فارسی به «انگوزه» [انقوزه] یاد می‌شود و تلفظ سانسکریت آن هم به نام «هنگ» از مشتقات فارسی بوده است. با وجود آنکه در کتب قدیمی چینی این نوع دارو به الفاظ مختلف یاد می‌شده، ولی همه آنها مشتق از واژه‌های انگوزه و هنگ می‌باشد. مثلاً در فصل ۱۸ کتاب «یو - یانگ - تسه - تسو» به «آ - یو - زه» یا «شین - یو» نام برده می‌شود و در جلد ۱۲ کتاب «سی - یو - جی» (مسافرت به سرزمین غرب) به «سین - جیو»، در کتاب «تانگ - بن - تسائو» به «شین - جیو»، در «نیه - پان - جین» به «یانگ - گوی» و در کتاب «بن - تسائو - گان - مو» به «آ - وی» نامیده می‌شود. مخصوصاً در کتاب «یو - یانگ - تسه - تسو» درباره انگوزه شرح نسبتاً مفصلاً داده شده است.

۸. مو - شی - جی: یعنی واژه «مازو» در زبان فارسی. این واژه برای اولین بار در فصل مربوط به معرفی کشور ایران در کتاب تاریخی چین به نام «شوی - شو» به چشم می‌خورد. در کتاب دیگر به نام «یو - یانگ - تسه - تسو» این طور آمده است که مو - شی - جی از ایران آمده است و درباره خاصیت آن شرح داده می‌شود. در کتاب «کای - بائو - بن - تسائو» به نام دانه مو - شی، در کتاب «پائو - جیو - رون» به نام دانه مو - شی، در کتاب «های - یائو - بن - تسائو» به نام مو - سی و در

کتاب «تسو - فان - زی» به نام مائو-تسا و در بعضی از کتابهای دیگر به نام مو-تسه یا مو-زه از آن نام برده شده است که همه آنها مشتق از تلفظ فارسی مازو می باشد.

۹. دانه خوشبوی ریز (یعنی زیره): این دانه در زبان چینی هم به نام «کو-مین» یا «تسه-رو» یاد می شود و آن هم از تلفظ واژه های فارسی «کمون» و یا «زیره» مشتق شده است.

۱۰. چغندر: [از] این در زمان قدیم چین به نامهای مختلف ذکر می شود: سبزی شیرین، سبزی جون-دا، خود جون-دا مشتق از تلفظ واژه فارسی و پهلوی «غندر» (یعنی چغندر) می باشد.

۱۱. بخور ان-شی: این دارو در دوره تانگ از کشور ایران به چین وارد می شد. در کتابهای «تانگ - بن - تسائو»، «های - یائو - بن - تسائو» و «یو - یانگ - تسه - تسو» همه درباره این نوع بخور صحبت شده [است].

۲. نباتاتی که از چین به ایران صادر شده است

۱. هلو و زردآلو: تحقیق نشان می دهد که این دو نوع میوه در بین قرن سوم تا دوم قبل از میلاد از چین به ایران رفته است. [از] هلودر زبان فارسی به «شفتالو» هم یاد می شود؛ یعنی شفت + آلو. خود واژه زردآلو هم واژه مرکب (زرد + آلو) می باشد.

۲. چائی: این کاملاً قطعی است که چائی از چین به ایران رفته است. تلفظ فارسی چائی هم عیناً از تلفظ چینی آن مشتق شده است.

۳. رو-گویی: که در زبان فارسی به «دارچین» یا «دارچینی» نام برده می شود که از ترکیبات این واژه هم واضح است که از چین به ایران آمده است.

۴. فو-لینگ: که در ایران به «ریشه چینی» یا «چوب چینی» معروف است. بنابه نوشته های ایرانی، چوب چینی در قرن ۱۶ به ایران رفته است.

ب) پزشکی

تاریخ مبادلات امور و فنون طبی بین دو کشور چین و ایران هم خیلی مفصل بوده است. بنابه نوشته «تاریخ طبابت ایران»، در زمان پادشاه خسرو پرویز (۶۲۷ - ۵۹۰ م.)، از دوره ساسانیان، ملکه چین مریض می شود. همه پزشکان چینی از معالجه آن ملکه عاجز ماندند. بالاخره یک پزشک ایرانی به نام خرداد بارشن به چین آمده و ملکه چین را شفا می دهد.

بعد از سلسله تانگ و سونگ، با مرور زمان، مقدار زیاد داروهای گیاهی ایرانی و عربی به چین وارد شده و تعداد کثیری تجار داروهای گیاهی از ایران به چین آمده، حتی بعضی از آنها در چین هم داروخانه‌هایی باز کرده بودند. بعضی از نسخه‌های دارویی آنان هم در چین محبوبیت پیدا کرده بود - مثلاً بی - سای - تانگ (یک نوع داروی جوشانده است) که در جلد ۱۴۶ کتاب «تائی - پینگ - گوان - جی» اثر دوره سونگ و جلد نهم «تسن - روی - بن - تسائو» درباره این نوع جوشانده و هم درباره اثر آن شرح داده شده است. در دوره یوان، مجمع پزشکی دربار چین بسیاری از طبیبان خارجی، منجمله ایرانی، را استخدام کرد تا در چین کار کنند. از آثار کهنه و مندرس باقیمانده نسخه‌های پزشکی کتب اسلامی که به «هوی - هوی - یائو - فانگ» معروف بوده، هنوز در کتابخانه پکن موجود است و قسمتی از نسخه‌های آن به زبان فارسی تحریر شده است. در ضمن، طب چینی هم به مراتب، خود در طبابت ایرانی اثر گذاشته بود. فن «نبض‌گیری» چین در قرن یازدهم میلادی به کشورهای ایران و عربی سرایت کرد. چنانکه همه می‌دانند مورخ مشهور ایرانی، رشیدالدین فضل‌الله، که در زمان [خود] طبیب مشهور [ی] هم بوده، در سال ۱۳۱۳ میلادی کتابی رابه نام «تانکسوق نامه» [«تسخ نامه»] تألیف کرد. این کتاب ترجمه قسمتی از کتب طبی و علمی چینی به زبان فارسی است. در این کتاب راجع به علم نبض‌شناسی، کالبدشناسی، علم جنین‌شناسی، علم مامائی و علم داروشناسی همه شرح داده شده است. علاوه بر این، طبیب معروف ایرانی ابوعلی سینا هم در اثر خود به نام «قانون»، فصل مخصوصی را به فن نبض‌گیری اختصاص داده که محتویات این اثر درباره نبض‌گیری با روش چینی آن شباهت دارد. بسیاری از گیاه‌های طبی چینی دیگری هم به کشور ایران صادر شده است.

پ) زبان

زبان فارسی از زمره زبانهایی است که بر زبان چینی اثر گذاشته است. با ترویج مبادلات بین شرق و غرب و کثرت یافتن رفت و آمدها بین چین و ایران، نفوذ متقابلی بین زبان چینی و ایرانی به وجود آمد و توسعه یافت. از قرن دهم میلادی به بعد، زبان فارسی زبان ادبی ناحیه شرقی دنیای اسلام به شمار آمده و علاوه بر این، از بین مسلمانانی که به طرف شرق می‌آمدند، بسیاری آنها ایرانیان بودند. از این جهت بود که نفوذ زبان فارسی در چین بیشتر از زبانهای دیگر به چشم می‌خورد - مخصوصاً در ناحیه سین - کیانگ. در دوره یوان (دوره مغولها)، حاکمان مغولی از سیاستی پیروی می‌کردند

که بر قوم «هان» فشار و ستم و تبعیض روا می‌شد و خود این سبب آن شد که دربار چین مأمورین خارجی بسیار، منجمله ایرانیان را استخدام کرد؛ به دلیل اینکه سطح فرهنگی ایرانی‌ها بالاتر از سطح فرهنگی دیگر کشورهای خانی متبوع مغولها بود و از طرفی نفوذ زبان ایرانی‌ها هم بمراتب بیشتر گردیده بود. طبق مدارک مربوط، از آن زمان خیلی امکان داشت که زبان فارسی یکی از آن زبانهای متداول چین گردد؛ زیرا اهمیت آن در دربار چین خیلی زیاد بود. سیاح مشهور ایتالیایی، مارکوپولو، در سفرنامه خود هم بسیار از واژه‌های زبان فارسی استفاده کرده است؛ مثلاً او پل مشهور «لو-گائو-چیاو» را که در حومه شهر پکن واقع است «پل سنگی»، اهالی استان یون-نان را «زردندان» (چون اهالی آنجا عادت داشتند دندان خود را با طلا بپوشانند) و امپراتور چین را «فغفور» نامیده است. علاوه بر این، در کتاب تاریخ «یوان-شی»، یهود را «جهود» و مسلمانان را «مسلمان» می‌نوشتند. بسیاری از اصطلاحات [ی] که مسلمانان چینی در مساجد چین برای اجرای مراسم دینی استفاده می‌کردند، فارسی بود.

علاوه بر اینها، در کتاب «شوان-لن-تانگ-چونگ-پو-شو-جی» که تألیف کننده آن شین-ماو از دوره مینگ می‌باشد، یک قسمت آن به نام «مسافرت به کشورهای آن طرف دریا» که «کشور مکه» یکی از آن کشورها بوده [است]؛ از طرز و سبک نگارش آن این‌طور به نظر می‌رسد که مترجم آن ممکن است ایرانی باشد. مثلاً زمزم که در مکه واقع است در این کتاب این‌طور توصیف شده بود: «آب چاه که خیلی شیرین و خوشمزه است، به نام «آب زمزم» معروف است». در اینجا با توجه به ترتیب استفاده از دو کلمه «آب زمزم» در این جمله، از نظر دستور زبان فارسی کاملاً روشن است که گوینده آن ایرانی و فارسی زبان بوده است. و هم‌زیر عنوان فصل «مدینه»، بسیار واژه‌های فارسی دیگر به چشم می‌خورد: مثلاً: «سیاه‌گوش»، «بیجاده»، «صابونی» و غیره. علاوه بر اینها، در قسمت‌های نجومی و جغرافیایی این کتاب هم واژه‌هایی موجود است که با زبانهای چینی و فارسی نوشته شده و تلفظ واژه‌های فارسی هم به زبان و حروف چینی درآمده، تا چینیان [ی] که به فارسی آشنا نبودند بتوانند تلفظ آن واژه‌های فارسی را با تلفظ چینی آن ادا کنند؛ مثلاً:

آسمان	阿 思 恩 (天)	آفتاب	阿 夫 他 (日)
باران	巴 刺 思 (雨)	کوه	科 黑 (山)
خاک	哈 克 (土)	آب	阿 卜 (水)
چشمه	扯 石 默 (泉)	شهر	舍 黑 尔 (城)

جمعاً چهل واژه در قسمت نجومی و چهل تای دیگر آن در قسمت جغرافیایی به نظر [می رسد] که تلفظ و تفسیر آن هم خیلی دقیق است. این قبیل مدارک در زمان پیش از آن خیلی نادر بود.

در اوایل دوره چینگ (۱۹۰۹-۱۶۱۶ م.) یک دانشمند چینی به نام چانگ-جی-می اثری به عنوان «دستور زبان فارسی» را به نگارش درآورده که نه تنها اولین اثر دانشمندان چینی در زمینه دستوریک زبان خارجی است، بلکه ممکن است که اولین کتاب دستور زبان فارسی باشد که تاکنون در دنیا پیدا شده است.

علاوه بر اینها که ذکر شد، در زبان چینی هم بعضی واژه‌ها موجودند که ریشه آن فارسی می باشد. مثلاً مسلمانان در قسمت شمال غربی چین روز اول سال را هنوز «نوروز» می گویند. مشهور است که بعضی از مسلمانان شهریانگ-چو هنوز در اصطلاحات تعارفی خود از بعضی واژه‌های فارسی استفاده می کنند؛ مثلاً در تعارف غذا، آنان همیشه به مهمانان خود می گویند «کو-دا» که خیلی ممکن است از واژه فارسی «گوارا» مشتق شده [باشد] که هنوز هم در زبان فارسی در این مورد از آن استفاده می شود. و هم مهمانان در تعریف غذا همیشه می گویند «خو-شه» که آن هم امکان دارد که از تلفظ «خوش» که هنوز هم در ایران رسم است، مشتق شده باشد.

در ضمن در زبان فارسی هم واژه‌هایی موجود است که از زبان چینی مشتق شده ولی تعداد آنها چندان زیاد نیست؛ مثلاً: چائی، چاو (اسکناس)، جُنْگ (قایق) و غیره.

ت) مبادلات علمی و فنی

۱. علوم و فنونی که از چین به ایران رفته
 ۱. صنعت تهیه ابریشم: منسوجات ابریشمی چین از مرغوبترین اجناس تجاری است که مورد پسند ایرانیان قرار گرفته بود. در زمان قدیم در اثر نبودن راه دریایی، برای رفت و آمدها بین شرق و غرب مجبور بودند از میان ناحیه بین دو سلسله کوه البرز و سلیمان در ایران عبور کنند. بنابراین ایرانیان بتدریج معاملات تجارتی بین چین و کشورهای غرب را به دست گرفتند - منجمله ابریشم را.

۲. ظروف چینی: تقریباً در همه نقاط سرزمین ایران، ظروف چینی ادوار مختلف کشور چین را کشف کرده اند. این نشان می دهد که ظروف چینی کشور چین از «جاده ابریشم»، چه از راه خشکی و چه از راه دریایی، به ایران به طور مداوم می آمده و برای ایرانیان اشیای مرغوب خیلی با ارزش بوده است. هنوز ایرانیان این ظروف ظریف را

«چینی» می‌نامند. در ضمن امپراتوران ایرانی همیشه مقدار زیادی ظروف چینی به کشور چین سفارش می‌دادند - مخصوصاً در دوره صفویه. هنوز در جاهای مختلف، مخصوصاً در موزه‌های دولتی و خصوصی ایران، مقدار زیادی ظروف چینی - بویژه از زمان سلسله مینگ - نگهداری شده است.

ورود ظروف چینی کشور چین به ایران، به ابداع و پیشرفت صنعت چینی سازی و سفال سازی کشور ایران مساعدت کرده است. از دوره سونگ به بعد، در اثر توسعه رفت و آمدهای دریایی و بهتر شدن شرایط حمل و نقل، ظروف چینی کشور چین که مورد پسند مردم ایران قرار گرفته بود، به وفور به ایران صادر می‌شد. ایرانیان در حالی که به سبک و طرز سفال سازی و چینی سازی خود ادامه می‌دادند، به سبک و روش چین هم اهمیت داده و از آن تقلید می‌کردند. در اواخر قرن شانزدهم میلادی، دربار صفویه چند صد نفر کارگر سفال سازی و چینی سازی را از چین به ایران دعوت کرد و از آن به بعد ظروف چینی کشور چین که به «سیلادون» مشهور بوده و مورد پسند اهالی ایرانی قرار گرفته بود، در ایران هم تولید می‌شد.

۳. قطب‌نما: از زمرة اولین وسیله [ها] و دستگاه [های] علمی چین بود که از راه دریایی به کشور ایران معرفی شد. در قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی، کشور چین با پیش از پنجاه کشور در جهان به معاملات تجارتي مختلف می‌پرداخته که از جمله آن، معاملات تجارتي با ایرانیان حائز اهمیت فوق العاده بوده است. قطب‌نما هم در آن زمان به ایران و کشورهای عربی و اروپایی صادر می‌شد. معرفی قطب‌نمای چینی به ایران در پیشبرد امر دریانوردی آن کشور نقش مهمی ایفا کرده است.

۴. نمک چینی (شوره): از خود این واژه معلوم می‌شود که از چین به ایران معرفی شده [است]. تقریباً در قرن هشتم و نهم میلادی فن ساختن «نمک چینی» (شوره) از چین به ایران ارائه شد. فن ساختن باروت از نمک چینی (شوره) در زمان حکومت مغولها بر سرزمین ایران، به ایران وارد گردید. در قرن سیزدهم میلادی در مدارک کشورهای آسیای غربی به بعضی [سلاحها] چنین نام می‌گذاشتند: «چرخ آتش ختنی» و «موشک ختن». ضمناً این مورد، واقعیت اختراع باروت به وسیله چینی‌ها و صدور و معرفی آن را به دنیای غرب ثابت می‌کند.

۵. چاپ حکاکی: بعد از آنکه مغولها بر آسیای غربی تسلط یافتند، فن چاپ کشور چین به سمت غرب صادر شد. اسکناس منتشرة ایلخانیان در پایتخت [آنها] تبریز، در اواخر قرن سیزدهم میلادی از طرز چاپ دوره یوان در چین تقلید شده و با طرز چاپ حکاکی چین به چاپ [رسید] ولی این نوع اسکناس در ایران برای مدت کوتاه [ی]

متداول بود.

در سال ۱۳۱۰ میلادی، سیاستمدار و مورخ مشهور ایرانی، رشیدالدین فضل‌الله، در اثر خود «جامع التواریخ»، دقیقاً فن چاپ حکاکی چین را معرفی کرده [است]. این نشان می‌دهد که فن چاپ حکاکی چین اقلماً در قرن سیزدهم به ایران کاملاً معرفی و مورد استفاده واقع شده است.

۶. کاغذسازی: معرفی فن کاغذسازی کشور چین به نواحی غرب بعد از سال ۷۵۱ میلادی رخ داد؛ یعنی بعد از شکست خوردن دربار تانگ در جنگ تالش با اعراب که در آن جنگ یک عده از سربازان و مأمورین لشکر اسیر شده و بعضی از آنها فن کاغذسازی را بلد بودند. آنها اول در سمرقند کارخانه کاغذسازی را تأسیس کردند و بتدریج فن کاغذسازی را به ایران و نواحی دیگر غربی معرفی نمودند.

[۲]. تأثیر علوم و فنون ایران بر چین]

در زمان قدیم، علوم و فنون ایران هم به نوبه خود به پیشرفت علوم و فنون در کشور چین کمک نموده است. در سال ۱۲۷۰، جمال‌الدین، منجم معروف ایرانی، تقویم ایرانی و هفت اسباب نجومی ایرانی را به دربار چین تقدیم کرده است. فن معماری و مواد ساختمانی قدیمی ایران هم بر فنون معماری چین اثر گذاشته است؛ مثلاً طرز [بنای] ساختمانهای گنبدی، شکل ساختمانهای خشت و سنگ و استفاده از کاشی‌های رنگارنگ.

ث) مبادلات فرهنگی و هنری

مبادلات بین دو کشور چین و ایران نه تنها در زمینه‌های فنون و اشیاء و لوازم بوده، بلکه در زمینه‌های فرهنگی و هنری هم از یکدیگر چیزها یاد گرفتند. مثلاً سبک نقاشی مینیاتور چین بعد از قرن سیزدهم میلادی بوضوح بر نقاشی ایرانی اثر گذاشته و این مورد، از نقاشی و طومارهای قدیمی ایرانی که تاکنون در اصفهان و شیراز دیده شده، بخوبی معلوم است. متعاقباً سنگتراشی قدیمی ایرانی - سنگتراشی برجسته - بر سنگتراشی چینی اثر گذاشته [است]. بالعموم اکثر سنگتراشی چینی از سنگتراشی مقعر بوده، ولی تماشاچیان هنگامی که آن حکاکی مشهور به نام «شش اسپ زائو-لین» را که در موزه استان شان-سی در معرض نمایش گذاشته شده ببینند، بلافاصله اشکال اسپهای ساسانی [را] که روی صخره‌های سنگ طاق بستان و نقش رستم حکاکی شده، به یاد می‌آورند.

همچنین مبادلات دو کشور در زمینه موسیقی هم خیلی روشن است. اسباب

قدیمی موسیقی چینی از قبیل پی-پا و نی از چین به ایران رفته و در ازای آن، چین هم بعضی از اسباب موسیقی ایرانی را به دست آورده؛ مثلاً سرنا، سنتور و غیره. البته بین اسباب موسیقی ناحیه سین-کیانگ چین و ایران و ناحیه آسیای مرکزی شباهت بیشتری به چشم می‌خورد؛ حتی بعضی از اسباب موسیقی هم دارای اسمهای مشترک می‌باشند؛ مثلاً طنبور، دوتار، رباب، سه تار و غیره.

چوگان، ورزش مشهور قدیمی ایران، در اواسط قرن هفتم به چین آمده که در چین به نام «پلو» شهرت داشت. چوگان از قدیمی‌ترین بازی‌های ایرانی به شمار می‌آید. در [داخل] مقبره شاهزاده تزانگ-خوای، نوه امپراتور سلسله تانگ واقع در نزدیکی شهر چانگ-ان، نقاشی دیواری چوگان بازی هنوز موجود است که بازیکنان در بازی چوگان را در حرکات مختلف مسابقه نشان می‌دهد. حتی در شهرسی-ان هم سنگ بنیادگذاری برای ساختن میدان چوگان بازی کشف شده [است]. از قرن نهم میلادی به بعد، در غارهای هنری واقع در تونگ-خوانگ روی نقاشی‌های دیواری اشکال مستخدمین سلطنتی را چوگان در دست نشان می‌دهد. اینها همه همان حقیقت را نشان می‌دهد که در آن وقت چوگان بازی دیگر در چین عمومیت پیدا کرده بود.

۴.

در سالهای اخیر، با کشفیات جدید باستان‌شناسی، اشیای بیشتری به دست آمده که رفت و آمدهای دوستانه بین دو کشور چین و ایران را در زمان قدیم ثابت می‌کند؛ مثلاً در چوان-جو ویانگ-جو، مقبره‌های قدیمی ایرانیان را کشف کردند. از بین مجسمه‌های اشکال خارجیان که در غارچین-چوان واقع در استان یون-نان پیدا شده، یکی از آن مجسمه‌ها با نشانه و نوشته اهل کشور فارس هنوز باقی مانده است. در شهر پکن بخوردان سلسله مینگ که روی آن یک شعر فارسی حک شده به دست آمده است. در شهر یانگ-چو، آینه مسین سلسله تانگ که در پشت آن نقشه چوگان بازی منقوش شده، کشف گردیده است و در ایران هم اشیای مربوط به دین «بن»-یک نوع دین ابتدایی [که] قبل از شیوع دین بودایی در ناحیه تبت (چین) انتشار یافته بود- [را] کشف کرده‌اند. همه اینها نشان می‌دهد که زمینه رفت و آمدهای دوستانه بین چین و ایران در زمان قدیم خیلی وسیع بوده است. اطمینان راسخ است که با تحقیق بیشتر در رشته تاریخ و کشفیات جدید باستان‌شناسی، مدارک، اسناد و نشانه‌های تازه‌تری برای اثبات ریشه‌های عمیق دوستی و تاریخ رفت و آمدهای بین چین و ایران به دست خواهد آمد.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی